



راه برو، فقط تورا خدا!

اشاره

سال‌های ۵۷ تا ۶۰ سال‌های رویارویی جوانان پرشور و انقلابی با ضد انقلاب در چند سنگر بود، سال‌هایی که این جوانان هم‌زمان با حضور در سنگر با بازسازی مناطق محروم و سنگر جبهه‌های حق علیه باطل، با قلم خود همه درسنگر مطبوعات به دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب می‌پرداختند، آن روزها هر گروهک و دسته کوچک و بزرگی باشعارهای فریبنده جوانان و نوجوانان را به سوی خود و گروهک خود دعوت می‌کردند در مقابل، نویسندگان جوانی بانقد دیدگاه‌های فکری و سیاسی قشر جوان را دعوت به خدا می‌کردند و سرانجام نیز جان خود را به پای خداخواهی خودفدا کردند، آنچه در پیش روست قطعه‌ای از شهید مهدی رجب بیگی از دانشجویان پیرو خط امام و از عوامل محوری در تسخیر لانه جاسوسی است که به دست مدعیان مبارزه با امپریالیست به شهادت رسید.

اما توی «دل» با دل پر خون
میکنه افسون، لیلی‌اش «لنون»، او شده «مجنون»
با سر و کله، از راه اومده
با «روی سیه»، آمده توده
هی از اینطرف، هی از اون طرف
عینو روده، میکشه «زوزه»، می‌ماله «پوزه»
هر کس و ناکس
آره بچه جون، با توام جوون
اینو خوب بدون، تانسی افسون، افسون شیطون
گول نخوری از، روباه مکار
نروی بی اون، سگ بدکار
یا پی کلاغ، دنبال قار قار
مثل گوساله، می‌شی زار و خوار
مثل خود «وخار»، می‌روی تو «نار»
آره بچه جون «با توم جون، اینو خوب بدون
راه برو فقط، تو راه خدا
نرو دربی، «زاغ» و «کت خدا»
مثل گوساله، میشوی فنا»
مثل اون سگه، سگ بی‌حیا
بچه باهوش، تو دام نهنگ
تو صید همون، روباه هفت رنگ
مثل گوساله، باهات میشه لنگ
عین او سگه، او سگ و خرچنگ
کله‌ات چو زاغ، میخوره به سنگ
آره به جون، توام جوون
خوب اینو بدون
راه برو فقط، تو راه خدا
کار بکن فقط، برای خدا
(امروز هم بمون، همراه خدا)
دیروز اومدی، از پیش خدا
فردا هم می‌ری، در پیش خدا
آره بچه جون، با توام جوون
دوباره بخون.

کلاغه میگه، قار و قار و قار
چی چی دسته؟ کار و کار و کار!
چرا سه تا کار؟ توی این جنجال
اون شده دجال، این شده رمال
میگه: برادر، واسه هوادار.
برای اینکه کم، بشه بی «کار»
گوساله میگه، «مت ارفقی‌ام!»
تو «هوا داری، عین ارفقی‌ام»
هر کی غیر من، ارتجاعیه
کسب و کار من اطلانیه
همه حرفام، اضطراریه
همه کارا: «خرده کاریه»
کارای خودم، «خیلی عالیه»!
بعضی‌ها می‌گن، «بختیاری» یه!
اما من می‌گم، «خیلی آنتیکه»
این کار علمی، «دیالتیکه»!
دین وایمونم، عین «مانیکه»!
سرخ سرخ سرخ، مثل «ماژیکه»!
دشمن اصلی، خود «لاستیکه»!
مثل ارتجاع، چون «پلاستیکه»!
سگ همسایه، می‌کنه «پیکار»
هر جا که دیدیش، زود برو کنار
گازت میگیره، مثل سگ هار
واق واق واق، می‌کشه شلاق
می‌زنه برساق، با چوب و چماق
گرگ «درنده»، سخت و «یک دنده»
میدهد اخطار! می‌کنه اظهار!
بر روی دیوار! می‌کنه «پیکار»!
روباه زرتنگ، «کت» خدا شده
بین بچه‌ها، «ناخدا» شده
همراه «لنون»، پایا شده
با هر چی «اف»، همصدا شده
با «بابا نونل»، می‌کنه «نونل»!